

دولت نیاپستی  
پیمانکارونه  
حتی تأمین کننده  
منابع باشد بلکه  
شایسته است  
«دولت معمار»،  
کارگزاری با نقش  
راهبردی در  
پیشرفت کشور  
و تضمین کننده  
سود مناسب  
برای بخش های  
مختلف باشد تا  
آن ها هم جذب  
کارهای مولد و  
محرك پیشرفت  
شوند.

## جایگاه

۱. گام اول انقلاب شامل مراحل نظیر نهادسازی و تأسیس نظام سیاسی بدیع جمهوری اسلامی، مرحله دفاع مقدس در جنگ تحمیلی جهانی و تثبیت نظام و مرحله توسعه زیربنایی و تحکیم نظام، با هزینه کرد و در اصل سرمایه گذاری های مادی و معنوی زیاد ولی با موفقیت هرچه تمام تر پشت سر گذاشته شده اند.

۲. یک جریانات روشنفکری کشور به جای نظریه سازی علمی کارآمد همانند نظریه پیشرفت، دولت، کارآمدی و عدالت اجتماعی راهگشا، همچنان بر طبل جدل بی حاصل جمهوریت یا اسلامیت چهل سال گذشته می کوبند.

دو جناح های سیاسی به سبب کم تجربگی و نیز غلبه برخی فرصت طلبان نوکيسه انقلابی نما، به جای برنامه سازی، کادرسازی کارا و رقابت سالم سازنده اخلاقی و اسلامی هم افزای فرصت ساز، بایی برنامه گی و روزمگی و باری به هرجهتی و لجاجت، بی کادری متناسب و به ویژه جدید و جوان، فرصت سوز شده و تهدید آفرین اند.

سه. به همین سبب مجالس و به ویژه دولت های پی در پی به جای رفتار پلکانی و مکمل و متکامل هم، پاندولی و زیگزگی رفتار می کنند.

چهار. هر دولتی سرکار آمده دوره اول به تخریب دولت قبل و انداختن توپ مشکلات به زمین دولت های گذشته پرداخته و دوره دوم کارها را به صورت موازی و نیم بند دنبال کرده و دستیابی به دستاوردهای آن ها را به آینده نامعلوم واگذاشته و ارجاع داده است.

پنج. نیازمند مبرم تداوم و تکمیل کارهای دولت های پی در پی ولو با اصلاح لازم آن ها هستیم.

۳. با وجود تأسیس اهم زیربناهای سرتاسری کشور پهناور ایران، تربیت میلیون ها نیروی دانش آموخته دانشگاهی و فنی حرفه ای و تولید چندین تریلیون تومانی نقدینگی، مسائل و مشکلاتی بر کشور حاکم شده است؛ مسائلی نظیر سرگردانی نقدینگی، تبدیل کالاهای مصرفی و واسطه ای به سان زمین، مسکن، خودرو و حتی سکه و ارز به کالاهای سرمایه ای به سبب سرازیر شدن نقدینگی به تقاضا به جای تولید، رکود تورمی جدی خطرناک ولی قابل حل، سیطره نگاه داری بر اقتصاد، جناح بازی بر سیاست و بی فرهنگی بر فرهنگ کشور.

۴. یک. از کل منابع و نقدینگی در کشور هم اکنون ۲۰٪ در اختیار دولت، ۴۰٪ در اختیار بخش عمومی (شهرداری ها، نهادها، بنیادها و...) و ۴۰٪ نیز در اختیار بخش خصوصی است. تا اینجا مثبت و فرصت بوده و یک جمهوری اقتصادی شکل گرفته است. از حالت همه کارگی دولت درآمده ایم. اما به هیچ کارگی دولت دچار شده ایم. دو اشکال کار در نا هماهنگی این منابع است. دولت بایستی با ۲۰٪ در اختیار با تضمین منابع عمومی و خصوصی، آن ها را بسیج و به کار بگیرد، اما بیشتر روی منبع دولت تأکید دارد. دولت نیاپستی پیمانکار و نه حتی تأمین کننده منابع باشد بلکه شایسته است «دولت معمار»، کارگزاری با نقش راهبردی در پیشرفت کشور و تضمین کننده سود مناسب برای بخش های مختلف باشد تا آن ها هم جذب کارهای مولد و محرك پیشرفت شوند. سه. اشکال دیگر این که توزیع ۴۰٪ منابع و نقدینگی بخش خصوصی به صورت کاملاً ناهمگن و نامتعادل می باشد. درصد بسیار کم و اندکی (چند درصد جمعیت حتی